

کاپلهای دویستانه **جواد محترمی**

کاپلهای دویستانه از پرویز پرستویی

من واقعاً نمی‌دانم پنج جناب پرویز پرستویی در اینستاگرام ادمین دارد یا خود ایشان بدون واسطه پیست‌های این حساب را منتشر می‌کنند اما هر چه هست قطعاً افرادی که به ایشان مستقیم یا غیرمستقیم برای پست‌هایی که منتشر می‌کنند مشاوره می‌دهند، آدم‌های معمولی و ساده‌ای نیستند و برخی مواقع از سادگی بازیگر پیشکسوت کشورمان سوءاستفاده می‌کنند.

دیروز سالروز آزادسازی خرمشهر بود و همه‌ساله این روز در ایران یک پیروزی ملی در دفاع مقدس را تجلی می‌دهد و نماد مقاومت ملی مردم ایران شناخته می‌شود و جنبه‌ی جشن و پیروزی و مقاومت دارد، یعنی وقتی عبارت آزادسازی خرمشهر به گوش می‌رسد، ناخودآگاه تصاویر شادی مردم در خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای ایران یا خوشحالی فاتحان خرمشهر در مسجد جامع این شهر و به‌طور کلی تصاویری از این دست که جنبه‌ی شادی و پیروزی دارند در ذهن ندای می‌شود اما جناب پرستویی چندسال است که همزمان با سالروز سوم خرداد غفلتاً ترجیح می‌دهد در صفحه‌ی اینستاگرامش که چند میلیون دنبال‌کننده دارد، فیلمی مستند درباره کتک خوردن اسرای ایرانی را در اردوگاه‌های رژیم بعث عراق بازنشر دهد که در این رابطه لازم می‌دانم برادرانه و صمیمانه به این هنرمند دوست‌داشتنی و پیشکسوت کشورمان نکاتی را متذکر شوم.

اول اینکه مردم این روزها به دلیل سوءمدیریت یک دولت نتولیبرال که اتفاقاً با حمایت قاطع سلبریتی‌ها روی کار آمده و هشت سال سکنان مدیریت کلان این کشور را در دست داشته به اندازه کافی ناان، نازحت و مغفوم هستند و به‌طور عادی و به‌اندازه کافی برای جوینده اخبار بد و تلخ مجموعه‌ای از رویدادهای قابل دسترسی است اما مسئولیت اجتماعی یک شهروند دلسوزز ایجاب می‌کند برای حفظ روحیه مردم نیز که شده نسبت به گلچین و انتشار همه‌اخبار منفی قدری مصلحت‌اندیشانه‌تر رفتار کند.

در این فضای نه چندان دلچسبی که دولت تدبیر برای مردم ایجاد کرده و قطعی برق نیز آن را مضاعف نموده چرا باید روزی که می‌تواند یادآور غرور و پیروزی باشد و حادثه‌ای است که همه عناصر و جنبه‌های یک جشن ملی را دارد و به تاریخ معاصر کشورمان نیز مربوط است را به کام ملتمان زهر می‌کنیم.

این بدسلیقگی محض است که با انتشار ابعاد تلخ و خونین‌تبار و نازحت‌کننده کتک خوردن رزمندگان ایرانی در اردوگاه‌های اسارت در روزی که مظهر جشن و پیروزی است، کام مردم را تلخ‌تر کنیم.

این بدسلیقگی دقیقاً مثل این می‌ماند که در لحظه تحویل سال به پنهان تقدیر و تکریم از مدافعان حرم صحنه‌های تلخ و غمناک جنگ و خونریزی را در تلویزیون نمایش دهیم و مدعی دفاع از آرمان شهادت باشیم و متوجه باشیم که بی‌تدبیری رسانه‌ای ما اتفاقاً می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد و بخشی از مردم را از برخی مفاهیم مقدس رده کند، بنابراین بار دیگر از برادر بزرگوار و هنرپیشه توانای کشورمان به عنوان یک شهروند معمولی تقاضای می‌کنم درباره تأثیر رسانه‌ای که پیست‌های ایشان می‌تواند روی روحیه جمعی مردم داشته باشد، قدری بیشتر تأمل کنند.

کتاب سینما



انتشار نخستین تیزر سینمایی «دسته دختران»

فیلم سینمایی «دسته دختران» که با تگ‌های **آزاد و پر اساس روایت‌های واقعی از مقاومت** ۲۴ روزه خرمشهر در دفاع مقدس ساخته شده، وارد حلقه پخش تولید شده‌است. به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، «دسته دختران» تصویری از مقاومت و ایثار زنان در روزهای پرتلاطم ابتدای جنگ است. فیلمبرداری این فیلم در شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز و تهران انجام شده است و در جشنواره فجر اسامان نمایش داده می‌شود.

نیکب کریمی، پانته‌آ پناهی‌ها، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین، صدف عسگری، حسین سلیمانی، یاسین مسعودی و مهدی حسینی‌نیا بازیگران این فیلم سینمایی هستند. «دسته دختران» محصول بنیاد سینمایی فارابی است.

تلویزیون



| روزنامه جوان | شماره ۶۲۱۵ | شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۳ شوال ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۱ | اذان مغرب: ۲۰:۳۱ | نیمه‌شب: ۰۱:۰۱ | طلوع آفتاب: ۵۵:۲۱

پدر گشتگی بوتیمار با خانواده!

نگاه ضد ایرانی – اسلامی به خانواده و جایگاه پدر از آسیب‌های انکارناپذیر سریال بوتیمار است و در این باره تلویزیون هم در همان مسیر خسران‌بار سینما گام برمی‌دارد!



مصطفی شاه‌کرمی

«بوتیمار» نه یک سریال طنز است و نه قرار است چیزی به داشته‌های مخاطب اضافه کند بلکه برعکس بر خلاف نگاه متعالی شرعی و تمامی انگار ه‌های تمدنی ایرانی ضمن تخطئه، تحریب و استخفاف و چیه و جایگاه «پدر» در بین اعضای خانواده، وی را موجودی مغفلو که، مقب‌مانده و امل و به درندخوَر نشان می‌دهد که وظیفه و جایگاهش صرفاً در سطح عابر بانک بودن یا همان پول در آوردن تقلیل داده شده است؛ رویگردی که طی چند وقت اخیر در سینما و تلویزیون شاهد مثال‌های متعددی برایش وجود دارد. با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، سریال بوتیمار سه تهیه‌کنندگی مه‌رسان مهام و کارگردانی علیرضا نجف‌زاده و نویسندگی مشترک سعید جلالی، شهاب عباسی و آرمان صبوری هر شب روی آنتن شبکهٔ ۳ سیما می‌رود.

به‌خراصه داستان سریال بوتیمار آمده است: «بوتیمار همیشه در تشنگی به سر می‌برد، اما آن هنگام که به رودخانه یا دریا می‌رسد، نگران می‌شود که مباد آب دریا تمام شود و او از تشنگی بمیرد، پس آب نمی‌خورد و تشنه می‌ماند… بوتیمار همیشه نگران فرادست.»

در واقع این‌س تعریف به اصطلاح یک خطی رویگرد معنوی سریال را معرفی کرده اما داستان این سریال در مورد خانواده‌ای به اسم خانواده گلایی است که قبل از شیوع ویروس کرونا برای دریافت چهار خودرو از شرکت لیزینگ ثبت‌نام کرده‌اند تا پس از دریافت آنها را بفروشند و خانه بزرگی برای مادر خانواده بخرند اما خودرها تحویل داده نمی‌شود تا اینکه پدر خانواده یعنی پرویز گلایی (با بازی حمید لولایی) متوجه می‌شود این شرکت کلاهبرداری بوده و برای پیدا کردن طلاهای خانم خود(با بازی مرجانه گلچین) که به عنوان بخشی از پیش‌پرداخت به یکی از کارمندان لیزینگ داده بود، عازم شمال می‌شود.

سازندگان بوتیمار در مسیر رفتن خانواده گلایی به شمال کشور اتفاقات مختلفی جنمایی کرده‌اند که اساساً هیچ ربط موضوعی

به این حال دختر خانواده دور از چشم و اطلاع پدرش با پسرم مورد علاقه‌اش ارتباط دارد و این در حالی است که مادر خانواده (با بازی مرجانه گلچین) ضمن اطلاع از این ارتباط سعی در پوشش و مستور نگه داشتن این ارتباط از پدر خانواده دارد.

پدر در اینجا همان کلیشه پدر نفهم و عقب‌مانده‌ای را نمایندگی می‌کند که در سینمای ایران زیاد آن رادیده‌ایم، با این تفاوت که اینجاساز دوز پر نخست آن و عصیبت دارد کاسته شده و به دوز بی‌خاصیت بودن و گیج و منگ وبی‌تأثیر بودن آن افزوده شده است.

کلیشه‌مادر ماله‌کش!

از جمله نمونه‌های دیگری که ز تولیدات تلویزیون با همین ابعاد و شکل می‌توان به آن اشاره کرد سریالی بود با عنوان «صفر

کحمت

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سر‌مدیر: غلامرضا صدقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

قطارقم میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نامبر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۱۵ | شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۳ شوال ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۰۱ | اذان مغرب: ۲۰:۳۱ | نیمه‌شب: ۰۱:۰۱ | طلوع آفتاب: ۵۵:۲۱

بیبست و یک» که تحت عنوان سریال طنز از شبکه ۳ سیما پخش می‌شد و در آن هم دختر خانواده دور از اطلاع و چشم پدر با پسر مورد علاقه‌اش که قرار بود به خواستگاری‌اش بیاید ارتباط داشت و باز هم مادر آن نقش مخفی‌کننده این ارتباط از پدر خانواده عمل می‌کرد.

در نگاه سطحی و ابتدایی به این رویکرد باید گفت که انکار این سریال طبق یک دستورالعمل واحد در حال تئوریزه کردن، قیح‌شکنی و عادی‌انگاری از تباط دختر و پسر بدون اطلاع خانواده (پدر) است و از اصلی‌ترین و محوری‌ترین عنصر خانواده شمایل یک مزاحم و فرد بی‌خاصیت را ارائه می‌دهد و در این معادله دختر خانواده همراه با مادر سعی می‌کند این مزاحمت را به نفع رابطه غیرشرعی دختر مدیریت کند.

پدر در جایگاه عابر بانک

نکته مهم دیگر در این زمینه استخفاف و تقلیل جایگاه و وجاهت «پدر» در نگاه اعضای خانواده یا به طریق اولی در بین مخاطبان و جامعه است؛ پدری که از جایگاهی رفیع و منبع به یک عابر بانک که صرفاً وظیفه‌اش کسب درآمد برای خرج و برج اعضای خانواده است! تنزل پیدا کرده است.

در این سریال و اغلب نمونه‌های مشابه شخصیت پردازی کاراکتر پدر خانواده با ظاهری چروکیده، متعصب، معیانی، امل، گرفتار در چنگال رسوم و سنت‌های قدیمی که دیگر امروز خریداری ندارد و به‌طور کلی مشتمزکننده و غیرقابل افتخار است، طراحی وی بی‌ریزی شده است، در حالی که مادر خانواده اغلب فردی است که از نظر ظاهری فردی شیک و آراسته و خوش‌پوش خودراست که نوعی نگاه اعضای خانواده به خطاهای فرزندان دارد و از تکنولوژی‌های روز سنجش آن کند و به‌طور کلی خیلی شیک و دوست‌داشتنی و آوانگارد است.

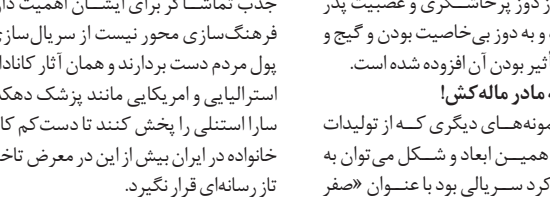
اصالت سرگرمی

عجیب است که مدیران و نویسنده‌ها و کارگردانان رسانه ملی دهه‌هاست از خلق و بازنمایی یک پدر خوب در سریال‌های تلویزیونی عاقل‌نشان داده‌اند و شاید در نگاهی دقیق‌تر به دلیل روکندگی خسران‌باری که از آن به عنوان اصالت سرگرمی یاد کرده‌ایم، صرفاً به فرقه کردن دامنه و وسعت مخاطب فکر می‌کنند و مسئله فرهنگ‌سازی برای ایشان نه تنها محلی از اعراب ندارد بلکه ترویج فرهنگ ضدخانواده از چشم نه چندان تیزبین ایشان دور می‌ماند.

باید به مدیران سیما توصیه کرد اگر فقط جذب تماشاگر برای ایشان اهمیت دارد و فرهنگ‌سازی محور نیست از سریال‌سازی با پول مردم دست بردارند و همان آثار کاتانایی، استرالیایی و امریکایی مانند پزشک دهکده و سارا استنلی را پخش کنند تا دست‌کم کانون خانواده در ایران بیش از این در معرض تاخت و تاز رسانه‌ای قرار بگیرد.

کتاب

«تاریخ مردم ایران» به چاپ هجدهم رسید



کتاب

نما مهدی ازادیت



نقد فیلم

نگاهی به فیلم «خون شد»

کیمیایی و در جازدن در یک ایده تکراری



افشین علیار

فیلم «خون شد» آخرین اثر سینمایی مسعود کیمیایی به لحاظ ساختار در بعضی از سکانس‌ها به مراتب از ساخته‌های قبلی‌اش جلوتر است اما کیمیایی هنوز در مضمون و مفاهیم سینمایی‌اش از قیصر تا خون‌شد در حال تکرار یک موقعیت در فضاهای گوناگون است، به‌رغم ساختار خون‌شده، ایده و قصه نمی‌تواند برای مخاطب نکته‌باورپذیری داشته باشد. «خون شد» به خوبی قصه تعریف می‌کند اما این قصه زاده تخیل خود فیلمساز است؛ جهانی که برای خودش دارد ترسیمی از آدم‌ها و شهر و عدالت اجتماعی است که با لحنی تکراری مطرح می‌شود.

کیمیایی در حال در جسا زدن در یک ایده تکراری است که نمی‌تواند آن را از خود جدا بداند، اگر چه او به درستی می‌تواند قهرمان بسازد و قهرمانش هم دوست‌داشتنی باشد اما باید دید این قهرمان تا چه اندازه مصداق بیرونی دارد. فضلی قهرمان جدید فیلم کیمیایی همان فیضری است که برای رسیدن به خواسته‌هایش چاقوی ضامن‌دار در جیب می‌گنجد و پاشنه‌های کفشش را بالا می‌کشد که به سوی «خون شد» همانند یک سایه وارد قصه می‌شود؛ یک قهرمان مثلاً تمام‌عیار که سناکت و درونگر است؛ قهرمانی که مرد عمل است. لحن گفتر او با دیالوگ‌های کوچک‌بازاری کیمیایی منطبق است.

دیالوگ‌هایی که دیگر در جایی شنیده نمی‌شود جز در فیلم‌های کیمیایی. خون‌شد یک اثر قهرمان‌محور است که دیگر شخصیت‌ها با وجود او شکل می‌گیرند، به‌طور مثال ورود فضلی در همان سکانس اول به عنوان اولین کاراکتر نشان از وجود قهرمانی است که فیلمساز آن را به عنوان یک منجی معرفی می‌کند، او آمده تا سند خانه پدری‌اش را آزاد کند و بعد خواهرش را نجات بدهد در ادامه خواهر ناتنی‌اش را قهرمان درون‌گرای ما می‌کوشد تا آدم‌های خانه را دور هم جمع کند و از طرفی دیگر فیلمساز می‌کوشد تا پشلی‌ت جامعه را با سیاهی‌های غلو شده پیوند بزند و اتفاقاً کیمیایی راهش را درست می‌رود و مثل همیشه دوربین سرکش او میان بدی‌های جامعه می‌چرخد و انگار موقعیت‌های فیلیم‌های او نمی‌توانند آنقدر جدی باشند چرا که کیمیایی بلد است چگونه و از چه راهی برای مخاطبش قصه‌گویی کند. روش او مبتنی بر خردروایت‌هایی که به هیچ منطقی نمی‌رسند با رجاعات کلامی مخاطب را به جایی نمی‌رساند.

بله فیلمساز ما قصه‌گوی خوبی است و می‌تواند از جهان

گفت‌وگو

در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده «قصه‌های ملسو» مطرح شد

کاراکتر «ملسو» سبک زندگی بهداشتی را به کودکان آموزش می‌دهد



نویسنده برنامه تلویزیونی «قصه‌های ملسو» می‌گوید این برنامه سبک زندگی بهداشتی و پزشکی را به کودکان آموزش می‌دهد، این روزها «قصه‌های ملسو» روی آنتن شبکه ۲ سیما خوش می‌درخشد؛ برنامه‌ای که مخاطب آن خردسالان هستند و محتوای متفاوتی از دیگر برنامه‌های کودک دارد. ملسو که یک عروسک بانمک است از سیاره دیگری وارد زمین شده و داستان حول محور قصایای ملسو و خانواده‌ای که با آنان زندگی می‌کند، می‌چرخد. «قصه‌های ملسو» با محتوای آموزش‌های پزشکی و

ایده این عروسک برای من نبود، ما یک شورای ایده‌پردازی داشتیم که دو سه ماه در آن شورای ایده‌پردازی فعالیت می‌کردیم. خانم عرفانی، خانم هاشم‌پور و آقای همزاده از اعضای این شورا بودند. در این شورا ما کاراکتر عروسک ملسو را مطرح کردیم، در مورد رنگ عروسک، لباس‌های آن و ویژگی‌هایش صحبت کردیم تا ملسو به این شکلی که می‌بینید درآمد. نویسنده برنامه «قصه‌های ملسو» افزود: این برنامه بیشتر مربوط به کودکان و خردسالان است. برای گروه سنی زیر ۹ سال مناسب‌تر است و خیلی برای نوجوانان جذابیت ندارد. فکر می‌کنم با توجه به اینکه موضوع برنامه پزشکی و سبک زندگی است، کودکان ارتباط خوبی با آن برقرار کنند. طنز سریال، ریتم و ترانه‌های آن، بازیگران و کارگردانی خوب سریال همه از عواملی هستند که می‌تواند در ماندگاری کار مؤثر باشد. امیدوارم کودکان بتوانند با کاراکتر ملسو روز‌های خوبی داشته باشند و خاطرات قشنگ آن برای کودکان ماندگار شود.

خراسانی با اشاره به چگونگی خلق کاراکتر عروسک ملسو گفت: